

روزگار بلاتکلیفی و دولت محترم



ناصر بزرگمهر به نام او که هر چه بخواهد همان می‌شود

در روزگاری که دیگر روزگار وصل نیست و دولت متبوع، با انواع گرانی، تورم، بی‌آبی، بی برقی تا کاهش پول ملی، قلب و روح ملت را نشانه گرفته است، حفظ مدیریت‌های کوتوله و حذف صفرها و گرفتن انواع مالیات‌ها از تورم‌های خودساخته و دست کردن در جیب مردم و بی‌توجهی به قشر آسیب‌پذیر، راه‌حل اقتصادی نیست.

دولت نشان داده که همه تمرکز خود را صرف خودی‌ها کرده و شعاردادن و طلبکاری از ملت را در سرلوحه خود قرار داده و اقتصاد مردم را در شرایط جنگ و صلح رها کرده است.

شاید بهترین عنوان برای این روزها، روزگار بلاتکلیفی باشد.

روزهایی که هوا آنقدر گرم شده‌است که نمی‌توانی پتو را بر سرت بکشی و زیر لحاف مادر بزرگ پنهان شوی و خودت را به کوری و کری بزنی و سختی‌ها و بی‌توجهی مقامات و حرف‌های شکاری صدمن یک غار را نبینی و نشنوی.

هر چند سختی‌های روز سخت، برای مردم تلاشگر ایران‌زمین، در طول تاریخ کهن چندهزارساله، مهم نبوده و نیست.

ژن ایرانی، اسکندر و مغول و عرب و افغان و روس و ترک و صدجنگ کوچک و بزرگ را پشت سر گذاشته و امروز هم می‌تواند روزهای سخت را از سر بگذراند.

اما با روزهای تلخ چه کنیم؟ روزهای تلخ را نمی‌توان به سادگی، در چاله کرد و خاک بر سر آن ریخت.

این دیگر سختی نیست، مرگ زندگی است، مرگ بهترین لحظات عمر انسان است که در بی‌حوصلگی زمان، از بین می‌رود.

هیچکدام از مردم، با هر سن و سال و موقعیت شغلی و کاری و جغرافیایی و مسئولیت اجتماعی، نباید بلاتکلیف بمانند، جوان امروز کلافه است، مردم خسته هستند، گرانی و تغییر قیمت روزانه اجناس و فشار سازمان‌های دولتی و خصوصاً اجحاف سازمان‌های مسئول بدون مسئولیت، مثل مالیات، تامین اجتماعی، آب، برق، مخابرات، شهرداری و امثالهم از حردادی و قابل تحمل گذشته است.

پیشرفت دنیای مجازی و گسترش فرهنگ خبرنگار شهروند، باعث شده که همه از حال همدیگر با خبر و نتیجه‌هایی که حاصل میشود، از تحمل یک جامعه در حال ویرانی اقتصادی و اجتماعی فراتر است.

فیلرم‌هایی که اخیراً در مورد پاداش‌های میلیاردی هیات‌مدیره‌های شرکت‌های دولتی در موبایل‌ها می‌چرخد، با حداقل حقوق ده‌بیست میلیونی اکثریت مردم، هیچ شباهتی با هم ندارد و عجیب است که ریاست‌جمهوری از کنار این موضوعات به سادگی می‌گذرند.

طبقات اجتماعی در حال ریزش هستند، طبقه ۱۰ اقتصادی، هر روز ثروتمندتر و طبقه ۱ اجتماعی، هر روز فقیرتر می‌شود. و هشت طبقه بین ۱۰ و ۱۰۰ کاملاً جابه‌جا شده و تقریباً همه یکی دو درجه نزول کرده‌اند. ثروت فردی و افزایش قیمت سرمایه‌های مهم مردم مثل خانه، ماشین و وسایل زندگی، یک شوخی مالی تلخ است، که از همین تلخی هم دولت به کمک مجلس می‌خواهد جیب خود را پر کند و مالیات بر افزایش تورمی از ماشین و خانه سکه و طلای مردم را نشانه گرفته است. واژه‌های میلیارد در و میلیونر، روسپی زبان اقتصاد شده‌اند و گرنه بنده خدایی را که صاحب یک موتورسیکلت درب و داغون چند هزار تومانی که باید به اسفقالی سپرده شود را نمی‌توان میلیون نامید.

اگر برآید ده بیست هزار تومانی را آن چنان گران کرده‌اید که چند صدمیلیون قیمت پیدا کرده است که نشانه ثروت مسافرکش سرگردان خیابان‌ها نیست.

لیبرالیسم اقتصادی فعلی بانگش را سوسیالیستی، به هر چیزی شبیه است، جز یک اقتصاد سالم اسلامی، که توسط قدرتمندان در دولت‌های قبلی و در نیای اقتصاد شکل گرفت و امروز همچنان دیوانه‌وار سفره خالی مردم را نشانه گرفته و می‌تازد.

بیکاری جوانان، غیرفعال شدن کارخانه‌ها، بی برقی و تعطیلی‌های بی‌دریج به هر بهانه بی‌ربط، از کار انداختن خط تولیدی است که در این چند سال گذشته، مقام معظم رهبری بر آن تأکید ورزیده‌اند و باعث نابودی کامل این اقتصاد و تولید نیم‌بند شده است.

در غیاب خبررسانی قابل اعتماد ملی، گاهی شایعه و دروغ چنان با حقیقت درهم می‌آمیزد که واقعیت هرگز نمود پیدا نمی‌کند.

مسئولیتی که گذشت، مقام معظم رهبری را دروغ‌های بی‌دریج و تغییر حرف‌های خود، به بازی گرفته و اعتماد عمومی را به سادگی آب خوردن خدشه‌دار کرده و می‌کنند، باید پاسخگوی صدیق ملت باشند، نه شبیه سخنگویان دولتی حرف بزنند.

ببینید اوضاع چقدر آشفته است که ریاست محترم جمهوری، خودشان در همین روزها فرمودند: (خدا و کیلی خیلی حرف می‌زنیم، ولی عمل نمی‌کنیم).

آقای رئیس‌جمهور

اگر مسئولین شما زیاد حرف می‌زنند یا بحرف زدن را بلد نیستند، که نبینند، حداقل حرف زدن را با آن‌ها تمرین کنید. مخاطب بسیاری از صحبت‌های جنابعالی، در طول یک سال گذشته معلوم نیست، چه کسی یا کسانی هستند؟ ما که گیج شده‌ایم. جنابعالی و مقامات به گونه‌ای صحبت می‌کنند که مثل این که مردم باعث بی‌آبی و بی‌برقی و گرانی و تورم و بیکاری و قطع ارتباط با جهان و تعطیلی مملکت شده‌اند.

آقای رئیس‌جمهور

جنابعالی در همه سال‌های گذشته، یا وزیر بوده‌اید یا وکیل و حالا هم رئیس‌جمهور عزیز ما هستید و در همه شرایط نقش داشته‌اید.

این‌پدشات و سلاطنت مردم و وضعیت دوا و درمان و بیمارستان‌ها مورد تأیید شما است؟ نتیجه چندسال وزارت شما چه بوده است؟

ظاهراً آقایان و یکی دو خانم دولتی متوجه نیستند که مسئول همه این شرایط، سیاست‌های بی‌دربی دولت‌ها و خود این هزار چهره ماندگار هستند که مرتباً میزهایشان را با یکدیگر عوض کرده‌اند.

هر کدام که مدتی از مسئولیت کنار می‌روند، به گونه‌ای سخن می‌رانند که مثل این که هیچ نقشی در این تصمیمات نداشته‌اند.

در حال حاضر هم، ظاهراً موج گرانی‌ها انتهای ندارد و قرار نیست کاری انجام شود، همه مشاغل سر گردان شده‌اند، هیچ کس به فرادی بهتر فکر نمی‌کند، بانک مرکزی کوچکترین گامی در جهت ارزش پول ملی بر نمی‌دارد، ارز‌ها هر روز گران‌تر می‌شود، خواربار و نان و ماست مردم هم دست تولید گرانی است که همه چیز را دلاری محاسبه می‌کنند و یک بطری آب کوچک چند سی‌سی را ده هزار تومان می‌فروشند.

آقای رئیس‌جمهور می‌فرمایند هر کس که راه‌حلی دارد بگوید و بفرماید و البته نمی‌فرمایند که مردم چگونه بفرمایند؟

شما که بهتر می‌دانید، کسی نمی‌تواند از چند کیلومتری شما و وزراتان رد بشود. همه درها بسته است، راننده‌ها را برادرید، تا اندیشمندان، طرح‌هایشان را ارایه کنند.

مسئول چنین وضعیتی دولت و شخص رئیس‌جمهور است.

هفته دولت را به دولت محترم و دولتیون تبریک می‌گویم، اگر جایی برای تبریک مانده است.

اقتصاد و توسعه

editor@smtnews.ir

دولت مجری اقتصاد سیاست زده

این چالش‌ها با بحران‌های بین‌المللی و داخلی، مانند نوسانات ارزی، بحران کرونا و فشارهای دیپلماتیک، تشدید شده‌اند. با این حال، هفته دولت می‌تواند صحنه‌ای برای شفاف‌سازی اقدامات، دستاوردها و حتی ناکامی‌ها باشد. ارائه گزارش‌های دقیق، مستند و قابل‌راستی آزمایی از سوی دستگاه‌های اجرایی، نه‌تنها به تقویت اعتماد عمومی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز اصلاح سیاست‌ها و بروزرسانی رویکردها باشد. اگرچه هفته دولت فرصتی برای مرور گذشته است، اما کارکرد اصلی آن باید پایه‌گذاری مسیر آینده باشد. دولت‌ها باید در چنین ایامی، علاوه بر گزارش عملکرد، برنامه‌های آتی، اصلاحات موردنیاز و اولویت‌های ملی

با فرا رسیدن دوم شهریور، تقویم رسمی کشور بار دیگر به یادآوری ایامی اختصاص می‌یابد که با نام هفته دولت شناخته می‌شود؛ هفته‌ای که به پاسداشت یاد و خاطره شهیدان رجایی و باهنر و تجلیل از خدمات دولت‌ها در جمهوری اسلامی ایران گرامی داشته می‌شود. اما فراتر از مراسم‌های نمادین و گزارش عملکرد، این هفته فرصت مغتنمی برای تحلیل، بازنگری و آینده‌نگری در مسیر حکمرانی اجرایی کشور/ است. دولت‌ها در جمهوری اسلامی ایران، فارغ از گرایش‌های سیاسی، با چالش‌های مشابهی مواجه بوده‌اند؛ رکود اقتصادی، تورم، تحریم‌ها، نارضایتی‌های اجتماعی و مشکلات معیشتی. در سال‌های اخیر،

محمدحسین امیرحسینی – تحلیلگر مسائل بین‌الملل:
دکتر پزشکیان که با شعار **وفاق ملی و پرهیز از تنش‌های بیهوده در فضای سیاست داخلی و خارجی** وارد کارزار انتخاباتی شده بود، بلافاصله پس از ورود به پاستور با زنجیره‌ای از روی داده‌ای پیش‌بینی‌نشده روبه‌رو شد. این روی داده‌ا از نظر شدت و تنوع به‌حدی بودند که هر کدام به‌تنهایی می‌توانستند ماه‌ها و حتی سال‌ها دستور کار یک دولت را تحت‌الشعاع قرار دهند. چنین

هنوز جوهر حکم ریاست‌جمهوری دکتر پزشکیان خشک نشده بود که خبر ترور اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس، در تهران، به‌سرعت به صدر اخبار داخلی و بین‌المللی راه یافت. این‌ واقعه صرفاً یک رخداد امنیتی نبود؛ بلکه به‌منابه یک شوک استراتژیک، نظم روانی معادلات منطقه‌ای را هدف گرفت. هنوز جامعه ایران و جهان عرب از شوک حادثه تهران خارج نشده بودند که خبر ترور سیدحسن نصرالله، دبیر کل حزب‌الله لبنان، در رسانه‌ها منتشر شد. او که بیش از ۳ دهه رهبری یکی از موثرترین بازیگران غیردولتی خاورمیانه را بر عهده داشت، در ادبیات محور مقاومت نه‌فقط یک فرمانده نظامی، بلکه نمادی از پیوند

دولت پزشکیان با گفتمان وفاق ملی در سیاست داخلی و عقلانیت در دیپلماسی خارجی به قدرت رسید و در همان ماه‌های نخست، تغییر لحن و رویکرد در سطح سیاست خارجی آشکار شد. دولت چهاردهم از همان ابتدا تلاش کرد که گام‌های مهمی در مسیر خارج‌سازی ایران از بن‌بست‌های سیاست خارجی در دوره قبل بردارد. یکی از مولفه‌های کلیدی سیاست خارجی پزشکیان، تقویت دیپلماسی

جنگ ۲اروزه؛ میدان چند گانه تقابل

اوج چالش‌های امنیتی دولت پزشکیان در خرداد ۱۴۰۴ رقم خورد، زمانی که در آستانه دور ششم مذاکرات هسته‌ای با امریکا، رژیم صهیونیستی جبهه نظامی را علیه ایران گشود. تل آویو اهداف چندگانه‌ای را در این تجاوز نظامی دنبال می‌کرد: از بین بردن برنامه هسته‌ای و ظرفیت دفاعی و موشکی ایران و بهره‌گیری از جنگ روانی و شکاف‌ها و نارضایتی‌های اجتماعی داخلی در راستای تغییر حاکمیت و ساختار سیاسی در ایران. بنابراین این تجاوز نظامی با تشدید جنگ رسانه‌ای هدفمند علیه ایران شدت گرفت. از یک‌سو، رژیم‌صهیونیستی در تلاش بود که در فضای رسانه‌های غربی و افکار عمومی غرب، این تجاوز نظامی را دفاع مشروع از خود جلوه دهد و از سوی دیگر، با استفاده از رسانه‌های فارسی‌زبانی مثل ایران اینترنشنال سعی در جهت‌دهی به افکار عمومی داخل ایران داشت. علاوه بر این موارد، نگرانی از گسترش جنگ به سطح منطقه‌ای به‌شدت افزایش یافت و با ورود مستقیم امریکا به جنگ دوچندان شد.

ایران در پاسخ به حملات رژیم‌صهیونیستی، مجموعه عملیات وعده صادق ۱،۳ آغاز کرد که در مقایسه با ۲ عملیات پیشین، هم از نظر حجم حملات و هم از نظر دقت هدف‌گیری و پیچیدگی فنی، و هم از نظر تعداد عملیات، سطحی جدید از توان نظامی ایران را نمایان ساخت. هدف قرار دادن اهداف نظامی، امنیتی و استراتژیک رژیم‌صهیونیستی نشان داد که ایران نه‌تنها در پاسخ متقابل، بلکه در استمرار قدرت‌نمایی نیز توانایی تاکتیکی و راهبردی بالایی دارد.

همسایگی بود؛ رویکردی که دولت چهاردهم با نگاهی متفاوت و سازنده‌تر سعی در بازتعریف آن داشت. سفرهای رئیس‌جمهور به عراق، قطر، ترکمنستان، آذربایجان و تاجیکستان حکایت از اولویت سیاست خارجی منطقه‌ای داشت.

هم‌زمان پرورنده مذاکرات هسته‌ای دوباره به اولویت اصلی سیاست خارجی بازگشت. در میان مجموعه بحران‌های امنیتی و منطقه‌ای، روندی دیگر در لایه

بازگشت دیپلماسی در سایه بحران

پنهان دیپلماسی در حال شکل‌گیری بود. آغاز دور تازه‌ای از مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و ایالات‌متحده. این مذاکرات در چارچوبی مستقل و از فروردین ۱۴۰۴ آغاز شده، یعنی زمانی که دور دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ در امریکا آغاز شده بود و واشنگتن به‌دنبال احیای کانال‌های گفت‌وگو با تهران بود. پیش‌تر، در اسفند ۱۴۰۳، ترامپ با ارسال نامه‌ای به رهبر ایران، سیگنال اولیه‌ای برای گفت‌وگو فرستاده بود.

آتش بس و فضای پساجنگ

عمومی به دولت و نیروهای مسلح و کاهش موقت تنش‌های جناحی، فضای فراهم کرد که می‌تواند بستری برای آغاز اصلاحات ساختاری باشد. از طرف دیگر، حل بحران هسته‌ای و ادامه مذاکرات در فضای پساجنگ به‌مراتب پیچیده‌تر از گذشته است، به‌ویژه که اروپا نیز با تهدید فعال‌سازی مکانیسم ماشه عला بر شدت فشار افزوده است. این تهدید به‌معنای بازگشت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل است که می‌تواند تبعات سنگینی بر اقتصاد ایران بگذارد.

■ **قفقاز جنوبی؛ تهدید ژئوپلیکی**

در همین زمان، تحولات قفقاز جنوبی به یک چالش جدی دیگر بدل شده است. توافق میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان بر سر کریدور زنگرور، با میانجیگری ایالات‌متحده شکل گرفت. این کریدور می‌تواند مسیرهای ترانزیتی در منطقه را تقویت دهد. موضع رسمی ایران در برابر این پروژه صریح و هشدار دهنده بوده، اما تجربه نشان داده است که صرف پزشکیان توجیه کافی نیست. دولت پزشکیان برای حفظ جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای، بایدد ابتکار عمل‌های دیپلماتیک و اقتصادی تازه‌ای را در قفقاز آغاز کند. برخی تحلیلگران معتقد هستند؛ ورود فعال‌تر و زود هنگام‌تر می‌توانست اثرگذاری بیشتری در تامین منافع ملی ایران داشته باشد.

فرصت‌سازی در سایه تحریم و تهدیدات ژئوپلیکی

دولت پزشکیان همواره بر اهمیت ژئوپلیکی مسیر ریلی رشت – آستارا و تکمیل حلقه مفقوده نهایی این کریدور بوده تأکید داشته است. این پروژه نه‌تنها یک مسیر حمل‌ونقل بلکه پلی برای تقویت دیپلماسی اقتصادی و افزایش سهم ایران از ترانزیت جهانی خواهد بود. با توجه به توافق آذربایجان و ارمنستان بر سر کریدور زنگرور، اجرای کامل پروژه رشت – آستارا از نظر فنی و سیاسی همچنان ممکن است، اما محاسبات‌های ژئوپلیکی آن افزایش پیدا می‌کند. اگر کریدور زنگرور فعال شود، بخشی از ترانزیت منطقه ممکن است به‌سمت مسیرهای جایگزین از طریق ارمنستان یا ترکیه هدایت شود که می‌تواند بر حجم کالاهای عبوری از آستارا اثر بگذارد. با این حال، ایران همچنان مزیت‌های جغرافیایی مهمی دارد: مسیر کوتاه‌تر به خلیج‌فارس و دسترسی مستقیم به شبکه ریلی روسیه و قفقاز، و امکان پیوند این خط با کریدور شمال – جنوب.

دولت چهاردهم با تأکید بر استفاده حداکثری از ظرفیت‌های بندر و پایانه ریلی آستارا، به دنبال تثبیت این موقعیت است. اما در شرایط تغییر مسیرهای ترانزیتی ناشی از توافقات قفقاز، انکا صرف به این مسیر می‌تواند ریسک‌آفرین باشد؛ به‌همین دلیل، توسعه خطوط حمل‌ونقل دریایی در خزر – به‌ویژه ارتباط

جمع‌بندی؛ یک دولت بحران‌زیست با چهره آینده‌نگر

به‌داشت و درمان، امنیت و سیاست تأثیرگذار خواهد بود و به بازتعریف قدرت ملی و جایگاه ایران در نظام بین‌الملل کمک خواهد کرد.

با این حال، دولت چهاردهم در سال دوم همچنان با خطر بازگشت تحریم‌های شدیدتر، تشدید مشکلات اقتصادی، بحران انرژی و منابع آبی و تغییر موازنه‌های ژئوپلیتیک روبه‌رو خواهد بود. بهره‌گیری هوشمندانه از فرصت‌های موجود و شناسایی به‌موقع فرصت‌های جدید، در کنار حفظ دیپلماسی فعال، شرط اصلی عبور موفق از این چالش‌هاست. از آنجایی که فعال‌شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل ممکن است بخش مهمی از این فرصت‌ها را محدود کند، اهمیت سیاست خارجی و دیپلماسی در سال دوم دولت دوچندان خواهد بود. اگر دولت این رویکرد را به درستی دنبال کند، می‌توان امید داشت که ایران به تدریج از بحران‌های موجود عبور کرده و جایگاه خود را در نظام بین‌الملل به شکلی پایدار ارتقا دهد.